

مَطَبِ پِزْشَک

(صبح زود روز یکشنبه اتاق خواب آقا و خانم بشیر)

خانم بشیر: آقا! سلام عرض می کنم صبح بخیر.

آقای بشیر: سلام خانم! صبح شما خوش.

خانم بشیر: دیشب چون خیلی خسته بودم زود خوابم بُرد. امیدوارم که شما هم

خواب خوشی داشتید؟

آقای بشیر: دیشب خوابم نُبُرد. تقریباً تمام شب بیدار بودم. تب شدیدی داشتم،

سُرفه نگذاشت بخوابم.

خانم بشیر: چرا بیدار نکردید.

آقای بشیر: نمی خواستم شما را ناراحت کنم، چون می دانستم که شما خیلی

خسته اید.

خانم بشیر: (دستش را در دست می گیرد) شما الآن هم تب دارید. بهتر است بزویم

پیش دکتر. (آقا و خانم بشیر وارد مطب می شوند. مریضان یکی پس از دیگری

پیش دکتر می روند)

مریض اوّل: سلام آقای دکتر

دکتر: سلام آقا! بفرمانید، بنشینید، حال شما چطور است؟

مریض اوّل: یک کمی بهتر است. فقط احساس ضعف می کنم.

دکتر: شما حالا احتیاج به دوا ندارید. چند روز کاملاً استراحت کنید. ان شاء الله

ضعف شما بزودی برطرف خواهد شد.

مریض دوّم: آقای دکتر خیلی ناراحت هستم.

دکتر: چه ناراحتی دارید؟

مریض دوّم: چند روز است که یک روز در میان تب دارم.

دکتر: بلی، شما تب نوبه دارید (در حالی که نسخه می نویسد) هیچ نگران نباشید هر سه ساعت یک بار قاشق ناهار خوری از این شربت بخورید انشاء الله تب شما قطع می شود.

مریض دوم: این شربت از کجا گیر می آید.

دکتر: از هر دارو خانه ای که بخواهید می توانید بخرید.

مریض سوم: آقای دکتر شکم درد می کند.

دکتر: شکمتان کار می کند؟

مریض سوم: خیر، آقای دکتر، چند روز است که یبوست دارم.

دکتر: علت شکم درد شما همین است. من قرص های ضد شکم درد و یبوست برای شما می نویسم. از خوردن غذای سنگین خودداری فرمائید.

مریض چهارم: آقای دکتر، چند روز است که من اسهال خونی دارم.

دکتر: برای شما قرص هائی می نویسم که هم برای اسهال بادی و هم برای اسهال خونی مفید است. غذاهای رقیق صرف کنید و بعد از صبحانه، ناهار و شام دو دانه از این قرصها میل فرمائید. این قرصها برای امراض گبذی هم مفید است.

مریض پنجم: آقای دکتر، من مثل اینکه درد قلوه دارم، دیشب از شدت درد تا صبح نخوابیدم.

دکتر: شما به یکی از بیمارستان های دولتی تشریف ببرید و از قلوه های تان عکس برداری کنید تا وقتی که عکس قلوه شما نبینم، نمی توانم نوع مرض شما را دقیقاً تشخیص بدهم. فعلاً به شما یک آمپول می زنم که بر اثر آن موقتاً از درد نجات یابید.

مریض پنجم: احتیاج به عمل جراحی که نیست؟

دکتر: نخیر، احتیاج به عمل جراحی ندارد، مطمئن باشید.

(نوبت به آقای بشیر می رسد)

دکتر: بفرمائید آقای بشیر، خدا بد ندهد، چه ناراحتی دارید؟
آقای بشیر: (در حالی کہ سرفہ می کند و عطسہ می زند) سرم گیج می رُود.
خیلی درد می کند.

دکتر: لطفاً گت تان را در بیاورید. اجازه بفرمائید فشار خون شما را امتحان کنم.
(امتحان می کند) فشار خون کہ درست است. حالا دہانتان را باز کنید و درجہ را زیر
زبانتان بگذارید.

متشکرم. (پس از چند دقیقہ درجہ را می گیرد و از روی آن می خواند) یک کمی
تب دارید.

آقای بشیر: گلو درد شدید دارم. بدنم ہم درد می کند. آقای دکتر من چہ
مرضی دارم؟

دکتر: شما سرما خوردگی دارید. هیچ جای نگرانی نیست. بفرمائید نسخہ شمارہ
یک قرص مکیدنی است و برای رفع گلو درد بسیار مفید است و شمارہ دو شربت
سُرفہ است. ہر بار بعد از صرف غذا ازین شربت دو قاشق چای خوری میل بفرمائید.
شمارہ سه کپسول است کہ یک دانہ از این ہا را سہ ساعت درمیان بخورید.

خانم بشیر: آقای دکتر! ایشان چہ غذایی باید بخورند.

دکتر: ہرگونہ غذا بجز غذای تُرش و چرب می توانند بخورند.

آقای بشیر: آقای دکتر خیلی متشکرم، خدا حافظ شما

دکتر: ان شاء اللہ بلا دور است. بسلامت

(دکتر آفتاب اصغر)

فرہنگ

مطب: کلینک، ڈاکٹر یا حکیم کی دکان

پزشک: ڈاکٹر، فزیشن

صبح زود: صبح سویرے

اتاق خواب: سونے کا کمرہ، بیڈروم

خستہ بودم : میں تھکی ہوئی تھی خوابم بُرد : مجھے نیند آگئی

یک روز درمیان : ایک دن چھوڑ کر تب نوبہ : باری کا بخار

سُرفہ نگذاشت بخوابم : کھانسی نے مجھے نہ سونے دیا

شکم درد می کند : میرے پیٹ میں درد ہے

شکمتان کار می کند ؟ : آپ کو اجابت ہوتی ہے ؟

قُرص های ضد شکم و یبوست : پیٹ کے درد کو دور کرنے والی قبض کشا گولیاں

خودداری : پرہیز اسہال خونی : پیچس، مروڑ

ناہار : دوپہر کا کھانا شام : رات کا کھانا

امراض گندی : جگر کی بیماریاں درد قلوہ : گردے کا درد

عکس برداری : ایکسرے گزارش : رپورٹ

دقیقاً : ٹھیک ٹھیک فعلاً : سرِ دست، فی الحال

آمپول می زنم : ٹیکہ لگا دیتا ہوں عمل جراحی : آپریشن

عطسہ می زند : چھینکتا ہے سوزم گیج می رود : میرا سر چکراتا ہے

فشارِ خون : بلڈ پریشر، درجہ : تھرما میٹر

سرما خوردگی : نزلہ زکام نگرانی : پریشانی

مکیدنی : چوسنے والی میل بفرمائید : کھائیے

ترش و چرب : کھٹی اور چکنی یبوست : قبض